

در واقع، این نکته بیان می‌کند که اگر متغیر مصرف انرژی نامانا باشد، باعث خواهد شد تا متغیرهای دیگر، مانند تولید ناخالص داخلی، بیکاری و ... که در ارتباط با مصرف انرژی هستند نیز نامانا شوند. این مسأله نیز باعث خواهد شد که شوک‌های وارد شده به این متغیرها از جانب مصرف انرژی دارای اثر دائمی باشد و لزوم اجرای سیاست‌های اصلاحی از سمت دولت و بانک مرکزی را توجیه می‌کند. دلالت مهم دیگری که نامانا بودن سری مصرف انرژی دارد این است که برخی از تئوری‌ها مانند چرخه‌های تجاری حقیقی (RBC)، چرخه‌های تجاری اقتصاد را یک فرآیند مانا در نظر می‌گیرند. حال اگر مطابق آنچه در بالا عنوان شد، شوک‌های مصرف انرژی بتواند اثر دائمی بر رفتار تولید ناخالص داخلی بر جای بگذارد، این تئوری و تئوری‌های مشابه فاقد اعتبار خواهند بود. در نهایت پیامد سوم مانا بودن یا نامانا بودن سری مصرف انرژی این است که در بررسی رابطه بین سری مصرف انرژی با سایر متغیرهای اقتصادی، اگر سری مصرف انرژی مانا باشد، دیگر نمی‌توان از روش‌های هم‌انباشتگی استفاده کرد یا اگر سری مصرف انرژی نامانا باشد و بخواهیم از روش علیت گرنجری استفاده کنیم، لازم است که از تفاضل مرتبه اول متغیر استفاده کنیم.

باید به این نکته توجه داشت که همه سیاست‌ها حداقل در کوتاه‌مدت برای چند دوره، اثر خواهند داشت و بر این اساس، سؤال اصلی این تحقیق این نیست که اثرگذاری یا بی‌اثر بودن مطلق سیاست‌های مدیریت تقاضا را مورد بررسی قرار دهد؛ در واقع این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که آیا سیاست‌های مدیریت تقاضای انرژی، دارای اثر دائمی بر مصرف انرژی هستند یا خیر؟ در این راستا، چند نکته بسیار مهم وجود دارد که می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد که در ادامه تلاش شده است تا به صورت مختصر به آنها اشاره شود.

یک موضوع مهم در ادبیات مرتبط با موضوع مانایی انرژی، لحاظ کردن اثرات شکست ساختاری در روش مورد استفاده است. برای انعکاس وضعیت درست سری زمانی، لحاظ امکان وجود شکست ساختاری در بررسی مانایی سری